

ساختار موثر در مدیریت محیط زیست کشور

تاریخ: ۲۵ / ۰۶ / ۱۳۹۹

به اداره محترم ملی حفاظت از محیط زیست جمهوری اسلامی افغانستان!

این جانب کریم داد نبی زاده فرزند صمد علی یک تن از باشندگان ناحیه دهم شهر کابل می باشم. تحصیلات خود را تا سویه لیسانس در رشته جامعه‌شناسی در پوهنتون تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی در سال ۱۳۹۷ به پایان رساندم. اکنون بنا بر برگزارشدن مسابقه کتاب خوانی و مقاله نویسی، خواستم با نوشتن یک مقاله تحت عنوان «ساختار موثر در مدیریت محیط زیست کشور» در این مسابقه اشتراک نمایم. از اداره محترم شما از صمیم قلب به دلیل برگزاری چنین مسابقات و ابتکارات مادی و معنوی سپاس گزارم.

فهرست عناوین

۳ مقدمه
۴ مفهوم مدیریت محیط زیست
۴ مفهوم سیستم مدیریت محیط زیست
۵ برنامه‌های مدیریت محیط زیست
۶ حکمرانی خوب و محیط زیست
۷ رابطه مشکلات محیط زیست با ساختار و جایگاه اداره یا نهاد حافظ محیط زیست
۸ حفاظت از محیط زیست مسولیت همه است
۹ برنامه محیط زیست سازمان ملل
۹ توصیه‌های همه‌جانبه برای مدیریت محیط زیست
۱۰ نتیجه‌گیری
۱۱ منابع

مقدمه

رسول الله (ص) می‌فرماید: «از زمین حفاظت کنید، به درستی که آن مادر شماست.» خلقت انسان در فرآیند آفرینش، آخرین حلقه از این زنجیر تکامل بود و اشرف مخلوقات، حامل امانت الهی معرفی و مقرر شد که در آبادانی زمین و تزکیه نفس خود بکوشد تا روزی که به جایگاه اصلی خویش بپیوندد. اما این خلیفه خدا بر روی زمین تکلیف الهی خود را به وادی فراموشی سپرد و آن چنان در غفلت و روزمرگی غرق گشت که به تخریب هر آنچه که در دسترسش بود کوشید. بدون شک، رشد سرسام‌آور جمعیت و گسترش شهرها، رقابت در استفاده از سوخت‌های فسیلی و سوء استفاده از علم و دانش، این کره خاکی را به سوی نابودی کشاند و منابع عظیم طبیعی که برای او آفریده شده بود، روزبه‌روز بر اثر مدیریت نادرست انسان به نابودی محیط زیست انجامید. توسعه دانش و توانایی بشر برای بهره‌برداری بیشتر از محیط و منابع آن و از نگاهی دیگر نگرانی از به پایان رسیدن منابع طبیعی و برهم‌خوردن تعادل چرخه‌ها و فرایندهای حیاتی کره زمین، محققان را بیشتر از گذشته متوجه محیط زیست و عوامل اثرگذار و اثرپذیر آن ساخته است (تبریز، ۱۳۹۶).

وقتی در سپتامبر سال ۲۰۰۰ بیش از ۱۸۹۰ تن از سران دولت‌های جهان، گرد هم آمدند تا اهداف هزاره سوم را تصویب کنند، مشخص گردید که ما در حال ورود به دورانی هستیم که اساساً مفهوم و نگرش به توسعه، دستخوش تحول ساختاری شده است. زیرا دوران توجه یک بُعدی به مقوله‌ی توسعه که به تولید ناخالص ملی اولویت می‌بخشد، به سرآمده و ما باید به کیفیت زندگی مردم و پایداری در محیط زیست بماندیشیم. در دنیایی که فعالیت‌های نابخردانه انسان‌ها آسیب‌های جبران‌ناپذیری به گونه‌های گیاهی جانوری زده است، طبیعتاً طراحی رویه‌ای برای دستیابی به توسعه پایدار که بتوان در چارچوب آن منابع محدود و جایگزین‌ناپذیر را مدیریت کرد، امری الزم و اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شود (زیدی، ۱۳۹۷).

امروزه گفتمان «توسعه پایدار»^۱ در کشورهای روبه‌رشد و درحال توسعه، به طور بسیاری جدی مطرح است. کشورهای جهان سوم برای کاهش فاصله خود با کشورهای صنعتی جهان، رسیدن به توسعه را در صدر برنامه‌های عملیاتی و اجرایی خود قرار داده‌اند. حال باید این مسئله را مورد مطالعه قرار داد که با توجه به این که رسیدن به توسعه به عنوان هدف اصلی کشورهای درحال توسعه قلمداد می‌گردد، مهم‌ترین عامل مؤثر در تحقق آن چیست؟ در پاسخ به این سؤال صاحب نظران مواردی مانند بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، به ویژه منابع تجدیدناپذیر، تولید محصول با کیفیت و رشد و بالندگی بهره‌وری را مطرح کرده‌اند (نیا، ۱۳۹۲).

¹ Sustainable Development

مفهوم مدیریت محیط زیست

قبل از پرداختن به تعریف مدیریت محیط زیست، نخست هر دو جز مفهوم را به صورت جداگانه تعریف میکنیم. محیط زیست عبارت از محیطی است شامل هوا، آب، خاک، منابع طبیعی، گیاهان، جانوران، انسان و روابط متقابل بین آنها (حمامی ۱۳۹۳). از سوی دیگر، مدیریت، عبارت از فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی سازماندهی بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد. مدیریت محیط زیست، فرایند تصمیم‌گیری برای تنظیم آن دسته از فعالیت‌های بشری است که بر محیط زیست تاثیر دارند، به گونه‌ای که ظرفیت‌های قابل تحمل محیط زیست برای توسعه بشری مختل نگردد (فریادی، ۱۳۹۰).

مفهوم سیستم مدیریت محیط زیست

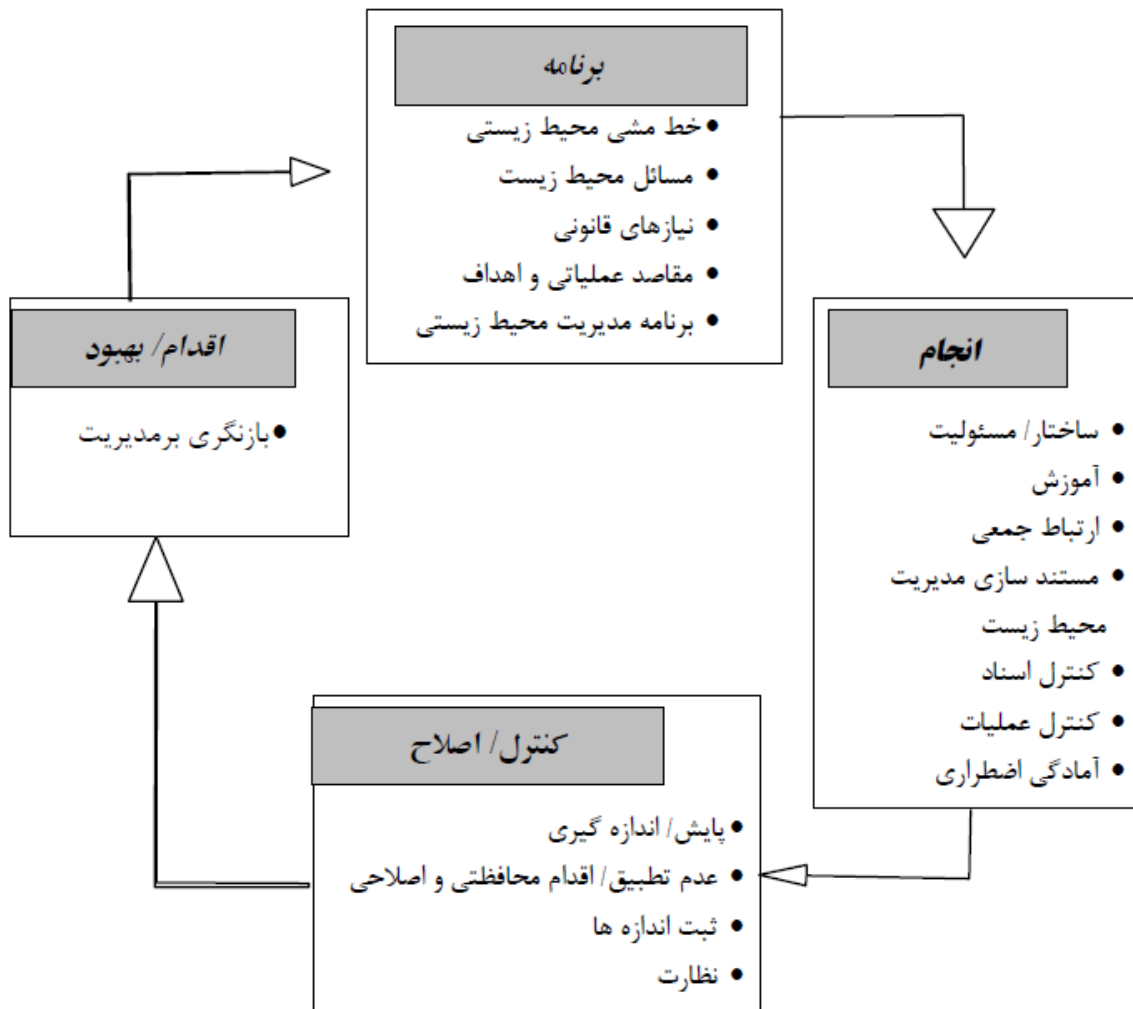
سیستم مدیریت محیط زیست^۲، شیوه‌ای برای حقوقی کردن اقدامات مربوط به حفاظت از محیط زیست از طریق ساختارهای شرکتی یا سازمانی است. یک سیستم مدیریت محیط زیست عبارت است از مجموعه‌ای شامل فرایندها و رویه‌های مدیریتی که به یک سازمان اجازه تحلیل، کنترل و کاهش آثار محیط زیستی ناشی از فعالیت‌ها، تولیدات و خدمات آن سازمان را بدهد و با کارایی و کنترل بیشتری عمل کند. مزایای موردانتظار از این سیستم شامل ارتقا اقدامات محیط‌زیستی در همه زمینه‌ها (شامل مناطقی که هنوز مورد مداخله قرار نگرفته اند)، افزایش زمینه‌های کاهش آلودگی‌های محیط زیست، افزایش تعهدات سازمان‌ها در مورد حفاظت از محیط زیست و کارایی و کنترل اجرایی بیشتر بر مداخلات در محیط زیست می‌گردد.

یک سیستم مدیریت محیط زیستی شامل چهار مرحله اصلی زیر می‌باشد:

برنامه - Plan؛ انجام Do؛ کنترل - Check؛ عمل یا اقدام - Act

² Environment Management System (EMS)

این چهار مرحله در هر پروژه مدیریت محیط زیستی از طریق یک چرخه کامل اجرایی صورت می‌گیرد. چرخه و اجزا هر مرحله از آن در شکل ذیل تصویر شده است.



(همان، ۸۱-۸۲).

برنامه‌های مدیریت محیط زیست

۱- **مراقبت و پایش:** هدف از ارائه این برنامه، دستیابی به اطلاعاتی است که اثرات و پیامدهای فعالیت‌های یک طرح یا پروژه را مورد سنجش قرار داده و نتایج آن نیز حاکی از اقدامات مقبول و یا غیرمقبول انجام شده و یا در حال انجام می‌باشد. یافته‌های این برنامه، اطلاعات و خط مشی‌های مناسب را برای کنترل و اجرای اقدامات اصلاحی و کاهش اثرات سو فراهم می‌نماید. در شرایط عدم تطابق یافته‌ها با قوانین، مقررات، ضوابط و معیارهای و نهایتاً با برنامه‌های مراقبت و پایش، اقدامات موردنیاز و ضروری اعمال خواهد گردید.

۲- آموزش: نخستین اقدام در زمینه آموزش تعیین مسولیت مدیریت محیط زیست در محل طرح یا پروژه است. جمع‌آوری اطلاعات پایه، تدوین استراتژی‌های مدیریت، پیگیری امور عملیاتی و کنترل و بازبینی آن‌ها، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای کارکنان و متخصصین شاغل و بهینه‌سازی سیستم اطلاعات زیست محیطی از برنامه‌های آموزشی می‌باشد که باید در گزارش درج شوند.

۳- مشارکت عمومی: استفاده از نظرات و دیدگاه‌های جوامع محلی و گروه‌های ذینفع و تحت تاثیر پروژه یا طرح تشکل‌های مردمی، سازمان‌های غیردولتی و متخصصین دانشگاهی در منطقه، جهت راهبری بهینه گزارش ارزیابی ضرورت دارد (منوری، ۱۳۸۰).

حکمرانی خوب و محیط زیست

در سال‌های اخیر، حکمرانی خوب به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر متغیرهای محیط زیستی مورد توجه تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. با توجه به منابع زیست محیطی، حکمرانی خوب یعنی شیوه‌ای که در آن تصمیم‌گیری‌ها به ترویج توسعه پایدار (که شامل حفاظت از محیط زیست است) بیانجامد. بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی محیط زیست در مطالعات خود پیرامون کشورهای در حال توسعه معتقدند که شکل نظام سیاسی (بسته یا باز، دموکراتیک یا استبدادی، نظامی یا پارلمانی) یک عامل تعیین‌کننده در وضعیت محیط زیست می‌باشد. به اعتقاد بیلی و برایانت، کانون مباحث پیرامون نقش مخرب زیست محیطی دولت‌ها، شناسایی و تصدیق تعارض ذاتی و مستمر در کارکرد دولت است. آن‌ها می‌افزایند، دولت‌های کشورهای در حال توسعه در آغاز راه استقلال، تمام تلاش خود را صرف توسعه صلاحیت‌های سرزمینی و تثبیت حاکمیت خود نمودند و در نتیجه محیط زیست را به فراموشی سپردند. نتیجه آن شد که توسعه و صنعتی شدن به هزینه تخریب و آلودگی محیط زیست دنبال گردید. کیفیت حکمرانی کشورها نه فقط بر کیفیت زیست محیطی آن‌ها تأثیرگذار است، بلکه کیفیت نهادی کشورهای همجوار را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در خصوص این بحث باید گفت که نظریات در خصوص اثرگذاری نهادها بر محیط زیست کشورها کاملاً متضاد است. درحالی‌که تعدادی از محققان اعتقاد دارند بهبود کیفیت نهادی کشورها - همچون سطح دموکراسی، حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی، حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قانون و مقررات، حکومت قانون و کنترل فساد اداری به بهبود محیط زیست کشورها می‌انجامد، دیگران معتقدند که توسعه نهادی به تخریب بیش از پیش محیط زیست کشورها منتهی می‌شود.

در واقع حاکمیت از یک طرف نقش توسعه‌گر و از طرف دیگر نقش حمایت‌گر، محافظ و مسئول محیط زیست طبیعی را می‌تواند ایفا نماید. همچنین میزان انتشار گاز گلخانه‌ای کاربن دی اکساید که در اکثر کشورهای مورد بررسی به ازای هر واحد درآمد سرانه تولید شده، افزایش چشمگیری داشته است. در نهایت، جوامعی که از سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی بیشتری برخوردارند و دولت‌های پاسخ‌گوتری نسبت به سایر جوامع دارند دغدغه بیشتری نسبت به مخاطرات زیست محیطی احساس می‌کنند و انتشار آلودگی در این جوامع کمتر دیده می‌شود. کشورهای در حال توسعه باید با شناخت و مطالعه کامل وضعیت خود درصدد برطرف‌نمودن ضعف قوانین و مقررات زیست محیطی تلاش کرده و با وضع قوانین و مقررات بر آلاینده‌ها یا شرکت‌ها و اعمال دقیق آن روند انتشار آلودگی را مدیریت نمایند. همچنین از طریق بهبود بخش تحقیق و توسعه، زمینه‌های جایگزینی تکنولوژی‌های پاک و سازگار با محیط زیست را با تکنولوژی‌های مخرب و آلاینده با کمترین هزینه فراهم نمایند، و جریان سرمایه‌گذاری را به گونه‌ای مدیریت کنند که افزایش کارایی زیست محیطی آن را در پی داشته باشد. کشورها باید در نقشه راه خود برای بهبود شرایط زیست محیطی

خویش، تعمیق دموکراسی و گسترش آزادی‌های شهروندی و مدنی را به عنوان یکی از پایه‌های نهادی و ساختاری جامعه مد نظر داشته باشند (سعیده علیزاده و مریم بیات، ۱۳۹۵).

رابطه مشکلات محیط زیست با ساختار و جایگاه اداره یا نهاد حافظ محیط زیست

به گزارش از یک خبرگزاری، مشکلات اداره یا نهاد حافظ محیط زیست از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. با ساختار موجود اداره و جایگاهی که دارد، احتمال اینکه بتوان به وظیفه حفاظتی خود به خوبی عمل کرد، بسیار کم است. به دلیل اینکه ما جزئی از ساختار دولت هستیم. اگر مسئله تخریب در محیط زیست کشور را بررسی کنیم، بخش قابل توجهی از این تخریب توسط دستگاه‌های اجرایی و نهادهای دولتی صورت می‌گیرد. یعنی تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، کمتر با مصالح محیط زیست سازگار است. در چنین شرایط ممکن است دو اتفاق به وقوع بپیوندد. یکی اینکه نگاه دولتمردان در سطوح کلان مدیریتی در سطح وزارتخانه‌ها، معاونان، والیان نگاهی سازگار با محیط زیست است. با این ساختار مشکلی به وجود نمی‌آید چون بقیه ارکان دولت نیز در همین راستا کار می‌کنند و کمک می‌کنند. اما اگر تعدادی از اعضای دولت چه در سطح کابینه و چه در ولایات نگاهی سازگار با مسایل محیط زیست نداشته باشند، در این صورت کار برای اداره حافظ حفاظت محیط زیست مشکل خواهد شد.

به عنوان مثال، در نظر بگیرید که بخش قابل توجهی از بودجه ادارات کل ولایات را بودجه‌های ولایتی تشکیل می‌دهند. یعنی مدیر کل حفاظت محیط زیست یک ولایت موظف است تا برای تامین دستمزدها و بخشی از هزینه‌ها، موافقت‌نامه خود را از مقام ولایت دریافت کند. حال اگر نگاه مدیریت آن ولایت نگاهی محیط زیستی نباشد، چگونه مدیر کل ولایت قادر خواهد بود تا طرح‌ها و فعالیت‌های خود را به انجام برساند. این یک چالش بزرگ در حوزه مدیریت محیط زیست کشور وجود دارد که باید برای این فکری جدی کرد.

دولت‌ها باید خودشان به این نتیجه برسند که برای پایداری حکومت‌ها و پایداری برنامه‌های اقتصادی خودشان ناچارند به مسایل محیط زیست توجه بیشتری داشته باشند. یکی از توصیه‌ها برای دولت این است که یکی از معیارها برای انتخاب مدیران در سطح ولایات و وزارتخانه‌ها، سنجش افکار افراد در ارتباط با مسایل محیط زیست و رابطه آنها با این مسایل است. به این معنا که برای انتخاب آن‌ها، بررسی صورت گیرد تا ببینند تا چه حد رویکرد آنها با مسایل مربوط به محیط زیست سازگاری دارد و چقدر به قانون محیط زیست کشور پایبند هستند و باور دارند که محیط زیست مسئله‌ای اصلی و مهم است. اگر نگرانیم که در انتصاب مدیران نمی‌توانیم چنین تضمینی را بدهیم، جایگاه سازمان حفاظت محیط زیست باید جایگاهی مثل وزارت دفاع باشد. یعنی اگر وزارت دفاع کشور مسئول امنیت مرزهای زمینی، دریایی و هوایی کشور است، اداره حفاظت محیط زیست هم در حقیقت مسئول امنیت محیط زیست و حفظ بستر برای زندگی بشر است. چالش دیگری که وجود دارد، این است که مسایل مربوط به محیط زیست را باید به صورت یکپارچه دید. یک اکوسیستم را باید به صورت یکجا و یکپارچه دید. اگر برداشت عمومی از جنگل فقط این است که جنگل فقط تعدادی درخت است، می‌توانیم فرض کنیم که درخت و جنگل داریم. ولی اگر برداشت عمومی از جنگل، اکوسیستم جنگل است که درخت یکی از عناصر آن را تشکیل می‌دهد، باید در مورد جنگل‌های کشور بسیار نگران باشیم. ما جنگلی به معنای واقعی و اکوسیستمی، که همه زنجیره‌های حیات داخل آن وجود داشته باشند و به حیات خودشان ادامه بدهند، به آن شکل نداریم. مسایل محیط زیست در حوزه محیط زیست طبیعی، مناطق حفاظت‌شده، زیستگاه‌ها، مسایل حیات وحش و زنجیره حیات، همه باید به صورت یکپارچه دیده شود. ما کمتر به این مسئله توجه کرده‌ایم و نگاه ما بیشتر بخشی و جزء جزء بوده است.

نکته دیگر درباره شکل حفاظت است. این دیدگاه که ما حفاظت را به صورت دولتی انجام بدهیم، مردود است. اینکه بخواهیم حفاظت را صرفاً از جانب دولت انجام بدهیم، امکان‌پذیر نیست. ما باید مردم را در سطوح مختلف در امر حفاظت درگیر کنیم که در کنار سازمان حفاظت محیط زیست باشند و هرکدام نقش خود را بازی کنند. مثلاً در مواردی ما احتیاج داریم برای همراه کردن سازمان‌های بین‌المللی از سازمان‌های مردمی کمک بگیریم. خصوصاً در نقاطی مانند آب‌های مرزی که منافع مشترک با کشورهای دیگر داریم، این سازمان‌های مردمی دو کشور هستند که می‌توانند به کمک دولت‌ها بیایند. در واقع تقویت سازمان‌های مردمی، یعنی تقویت حفاظت از محیط زیست. این سازمان‌های مردمی، چشم‌های سازمان حفاظت محیط زیست در نقاط مختلف کشور هستند که می‌توانند واقعیت‌ها را ببینند و منعکس کنند و بلندگوی سازمان حفاظت محیط زیست باشند (کیخا، ۱۳۹۲).

حفاظت از محیط زیست مسولیت همه است

محیط زیست، مکان رفع‌کننده نیازها و زندگی انسان است و هر روزی که می‌گذرد، ارزش آن بیشتر می‌شود. اما متأسفانه، انسان امروزی با فعالیت‌های خود، با استفاده بیش از حد از منابع طبیعی باعث به میان آوردن آلودگی خطرناک شده و همه را با تهدید مواجه ساخته است. دین مبین اسلام همیشه به مردم این حکم را می‌کند که شما جان و محیط خود را پاک نگه دارید تا از انواع مشکلات صحتی نجات یابید. در سال‌های ۱۹۶۰، افغانستان به عنوان یکی از کشورهای متمدن پنداشته می‌شد و کابل را شهر رویاها می‌گفتند. این به خاطری بود که شهروندان کابل شهر خود را به اندازه‌ی پاک نگه می‌کردند که زبان‌زد تمام جهان بود.

امروزه که نفوس کشور رو به افزایش است، در شهرهای بزرگ مردم فرهنگ شهرنشینی را مراعات نمی‌کنند، هیچ‌کسی خود را مسول حفاظت از محیط زیست نمی‌داند. باید همه ما از این امر آگاه باشیم که همان قدر که حفاظت از محیط زیست متوجه دولت می‌شود به همان اندازه مردم عام نیز باید متوجه باشد. اگر در این مسئله تقصیر از دولت باشد، مردم عام نیز بی‌تقصیر نیست. برای نگهداری از محیط زیست افراد دولتی و غیردولتی باید نکات مهم ذیل را در نظر بگیرند:

- ۱- با جنگلات منطقه خود رفتار نامناسب نکنیم.
- ۲- عملی کردن تمامی قوانین اداری محافظت از محیط زیست
- ۳- دولت باید در کشور برای مردم برق فراهم کند تا احتیاجات شان را از طریق برق مرفوع بسازند تا از سوختن مواد سوزان در محیط زیست جلوگیری شود.
- ۴- درختان شهر و اطراف را نباید قطع کنیم بلکه در عوض نهال‌های بیشتری غرض کنیم.
- ۵- آوردن اصلاحات در کار شاروالی‌ها
- ۶- به فعالیت ساختمان‌های تجاری در مناطق سبز شهر اجازه ندهیم.
- ۷- مقامات شاروالی باید دکانداران را مجبور بسازند تا پیشروی دکان‌های شان یک یک نهال بشانند.
- ۸- مردم از فواید محیط زیست از طریق رسانه‌ها آگاه شوند.
- ۹- تمام وسایط نقلیه از لحاظ تکنیکی معیاری باشند.
- ۱۰- اداره ترافیک باید اجازه تردد را به آن وسایطی ندهد که ماشین‌های شان فرسوده و از کار افتاده باشد.
- ۱۱- قیرریزی سرک‌ها و شاهراه‌ها و امثال آن

باید در قسمت پذیرفتن حس مسولیت محافظت از محیط زیست، تقویت روحیه همکاری و فرهنگ محافظت از محیط زیست در هر منطقه توجه خاص صورت گیرد (کروخیل، 1395).

برنامه محیط زیست سازمان ملل

از سال ۲۰۰۲، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد^۳ در ایجاد بنیان‌های زیست محیطی برای توسعه پایدار در افغانستان نقش فعالی داشته است. چندین دهه درگیری و خشونت، همراه با خشکسالی و زلزله، تأثیرات مخربی نه تنها بر مردم افغانستان، بلکه بر محیط طبیعی آن نیز داشته است.

این امر منجر به درخواست دولت افغانستان برای کمک فنی برای ایجاد یک اداره ملی محیط زیست شد. برنامه محیط زیست از آن زمان در بازسازی ساختارهای حکومت‌داری و پرداختن به مسائل فوری مدیریت محیط زیست شهری و منابع طبیعی متمرکز شده است. برنامه محیط زیست سازمان ملل بر ایجاد انعطاف‌پذیری و پایداری زیست محیطی در سراسر کشور از طریق موارد ذیل توجه دارد:

- تقویت حکومت‌داری زیست محیطی و تاسیس نهادها
- ارائه کمک فنی در انجام تعهدات اداری هر کنوانسیون تصویب شده
- به کار بردن مدیریت دانش قوی و فعالیت‌های اطلاع‌رسانی زیست محیطی
- توسعه مدیریت منابع طبیعی اجتماع-محور

برای دستیابی به موارد فوق، این برنامه آموزش و مربیگری هم‌تایان دولت، انجام پروژه‌های نمایشی و ارائه کمک و مشاوره فنی در زمینه‌های: هماهنگی محیط زیست، قانون و سیاست محیط زیست، آموزش و آگاهی از محیط زیست، مدیریت منابع طبیعی جامعه، سازگاری با تغییرات آب و هوا، مناطق حفاظت‌شده، کاهش خطر فاجعه‌های زیست محیطی و توافق‌نامه‌های زیست محیطی چند جانبه را راه اندازی می‌کند (سازمان ملل، ۲۰۲۰).

توصیه‌های همه‌جانبه برای مدیریت محیط زیست

برای این که دولت افغانستان چالش‌های بزرگ زیست محیطی را مورد توجه قرار دهد، مقامات حوزه محیط زیست باید ابزارها و سیاست‌های جدید مدیریت زیست محیطی را رهنمایی و طراحی کنند و همچنین از تطبیق پروژه‌های مراقبت و محافظت نظارت کنند. توصیه‌های ذیل برای طبیعت مهم و پیشبرد بهتر مسولیت آن را باید اداره‌های ذیربط به عهده گیرند:

قانون‌گذاری زیست محیطی و اجرای آن

ظرفیت‌سازی برای مدیریت زیست محیطی

³ United Nation Environment Program

محیط زیست و اشتغال‌زایی

طرح‌ریزی زیست محیطی

مشارکت مردم، آموزش و پرورش زیست محیطی (برنامه محیط زیست سازمان ملل، ۲۰۰۳).

نتیجه‌گیری

امروزه گفتمان «توسعه پایدار» در کشورهای روبه‌رشد و در حال توسعه، به طور بسیاری جدی مطرح است. کشورهای جهان سوم برای کاهش فاصله خود با کشورهای صنعتی جهان، رسیدن به توسعه را در صدر برنامه‌های عملیاتی و اجرایی خود قرار داده‌اند. حال باید این مسئله را مورد مطالعه قرار داد که با توجه به این که رسیدن به توسعه به عنوان هدف اصلی کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌گردد، مهم‌ترین عامل مؤثر در تحقق آن چیست؟ در پاسخ به این سؤال صاحب نظران مواردی مانند بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، به ویژه منابع تجدیدناپذیر، تولید محصول با کیفیت و رشد و بالندگی بهره‌وری را مطرح کرده‌اند. مدیریت محیط زیست، فرایند تصمیم‌گیری برای تنظیم آن دسته از فعالیت‌های بشری است که بر محیط زیست تأثیر دارند، به گونه‌ای که ظرفیت‌های قابل تحمل محیط زیست برای توسعه بشری مختل نگردد.

در سال‌های اخیر، حکمرانی خوب به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر متغیرهای محیط زیستی مورد توجه تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی قرار گرفته است. بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی محیط زیست در مطالعات خود پیرامون کشورهای در حال توسعه معتقدند که شکل نظام سیاسی (بسته یا باز، دموکراتیک یا استبدادی، نظامی یا پارلمانی) یک عامل تعیین‌کننده در وضعیت محیط زیست می‌باشد. در حالیکه تعدادی از محققان اعتقاد دارند بهبود کیفیت نهادی کشورها - همچون سطح دموکراسی، حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی، حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قانون و مقررات، حکومت قانون و کنترل فساد اداری به بهبود محیط زیست کشورها می‌انجامد.

بخش قابل توجهی از این تخریب توسط دستگاه‌های اجرایی و نهادهای دولتی صورت می‌گیرد. یعنی تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، کمتر با مصالح محیط زیست کشور سازگار است. در چنین شرایطی ممکن است دو اتفاق به وقوع بپیوندد. یکی اینکه نگاه دولتمردان در سطوح کلان مدیریتی در سطح وزارتخانه‌ها، معاونان، والیان نگاهی سازگار با محیط زیست است. با این ساختار مشکلی به وجود نمی‌آید چون بقیه ارکان دولت نیز در همین راستا کار می‌کنند و کمک می‌کنند. اما اگر تعدادی از اعضای دولت چه در سطح کابینه و چه در ولایات نگاهی سازگار با مسایل محیط زیست نداشته باشند، در این صورت کار برای اداره حفاظت محیط زیست مشکل خواهد شد. یکی از توصیه‌ها برای دولت این است که یکی از معیارها برای انتخاب مدیران در سطوح ولایات و وزارتخانه‌ها، سنجش افکار افراد در ارتباط با مسایل محیط زیست و رابطه آنها با این مسایل است. نکته دیگر درباره شکل حفاظت است. این دیدگاه که ما حفاظت را به صورت دولتی انجام بدهیم، مردود است. اینکه بخواهیم حفاظت را صرفاً از جانب دولت انجام بدهیم، امکان‌پذیر نیست. ما باید مردم را در سطوح مختلف در امر حفاظت درگیر کنیم که در کنار سازمان حفاظت محیط زیست باشند و هرکدام نقش خود را بازی کنند.

امروزه که نفوس کشور رو به افزایش است، در شهرهای بزرگ مردم فرهنگ شهرنشینی را مراعات نمی‌کنند، هیچ‌کسی خود را مسول حفاظت از محیط زیست نمی‌داند. باید همه ما از این امر آگاه باشیم که همان قدر که حفاظت از محیط زیست متوجه دولت می‌شود

به همان اندازه مردم عام نیز باید متوجه باشد. اگر در این مسئله تقصیر از دولت باشد، مردم عام نیز بی تقصیر نیست. باید در قسمت پذیرفتن حس مسولیت محافظت از محیط زیست، تقویت روحیه همکاری و فرهنگ محافظت از محیط زیست در هر منطقه توجه خاص صورت گیرد.

برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد به عنوان همکاری بین‌المللی افغانستان باید به راه‌اندازی کارگاه‌های آموزش و مربیگری هم‌تایان دولت، انجام پروژه‌های نمایشی و ارائه کمک و مشاوره فنی در زمینه‌های: هماهنگی محیط زیست، قانون و سیاست محیط زیست، آموزش و آگاهی از محیط زیست، مدیریت منابع طبیعی جامعه، سازگاری با تغییرات آب و هوا، مناطق حفاظت‌شده، کاهش خطر فاجعه‌های زیست محیطی و توافق‌نامه‌های زیست محیطی چند جانبه ادامه بدهد. برای این که دولت افغانستان چالش‌های بزرگ زیست محیطی را مورد توجه قرار دهد، مقامات حوزه محیط زیست باید ابزارها و سیاست‌های جدید مدیریت زیست محیطی را رهنمایی و طراحی کنند و همچنین از تطبیق پروژه‌های مراقبت و محافظت نظارت کنند.

منابع

UNEP, United Nation Environment Program. ۲۰۰۳. *Afghanistan Post-Conflict Environment Assessment*.
با ترجمه Karimdad Nabizada. Imprimerie, France.

تبریز، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی. ۱۳۹۶. "مدیریت سبز."

حمای، مجید. ۱۳۹۳.

<https://ag.doe.ir/Portal/file/?681725/%D8%A2%D9%84%D9%88%D8%AF%DA%AF%D9%8A-%D9%87%D8%A7%D9%8A-%D9%85%D8%AD%D9%8A%D8%B7-%D8%B2%D9%8A%D8%B3%D8%AA-.pdf>

زیدی، اسداله مهر آرا، سپیده مدانلو جویباری، علیرضا زارع. ۱۳۹۷. "بررسی حفاظت از محیط زیست در توسعه پایدار."
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پورتال جامع علوم انسانی ۱۰۵.

سعیده عزیززاده و مریم بیات. ۱۳۹۵. "بررسی اثر حکمرانی خوب بر محیط زیست در کشورهای با درآمد متوسط." *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*, ۲۰: ۵۱-۵۱۳.

فریادی، شهرزاد. ۱۳۹۰. *مدیریت محیط زیستی*.

کروخیل، عبدالباسط. ۱۳۹۵. *نننی افغانستان*.

<https://afghanistantoday.net/5598/%DA%86%D8%A7%D9%BE%D9%8A%D8%B1%D8%A7%D9%84-%D8%B3%D8%A7%D8%AA%D9%86%D9%87-%D8%AF-%D9%BC%D9%88%D9%84%D9%88-%DA%AB%DA%89-%D9%85%D8%B3%D8%A4%D9%84%D9%8A%D8%AA-%D8%AF%DB%8C>

کیخا، احمد علی. ۱۳۹۲. *مشکل اصلی محیط زیست ساختار و جایگاه سازمان است*. خبرگزاری تسنیم.

ملل، برنامه محیط زیست سازمان. ۲۰۲۰. www.unenvironment.org. September ۰۵.

<https://www.unenvironment.org/explore-topics/disasters-conflicts/where-we-work/afghanistan>

منوری، مسعود. ۱۳۸۰. "مجموعه راهنمای ارزیابی اثرات زیست محیطی." *سازمان حفاظت محیط زیست* ۸۱-۸۲.

(14001 ایزو) بررسی تأثیر ابعاد فرهنگ سازمانی بر استانداردهای سیستم مدیریت زیست محیطی " 1392. فریبرز رحیم, نیا علم و تکنولوژی محیط زیست، دوره "صنایع کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی توس مشهد: مطالعه موردی 1392, 92. پاییز شماره سه، پاییز

— ۱۳۹۲. "بررسی تأثیر ابعاد فرهنگ سازمانی بر استانداردهای سیستم مدیریت زیست محیطی (ایزو ۱۴۰۰۱) مطالعه موردی: صنایع کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی توس مشهد." علوم و تکنولوژی محیط زیست, ۹۲.